

فَضَلَالُ الْمُهَدِّي
عَلَيْهِ السَّلَامُ

علی کبیر ملا فی

فَضَلَالُ الْمُهَدِّي
عَلَيْهِ الْكَلَامُ

عَلَى كَبْرٍ مَلَافِي

تلافی، علی اکبر، ۱۳۴۲ -
 فضائل المهدی علیه السلام / علی اکبر تلافی. - تهران: نیک معارف، ۱۳۷۹
 ISBN 964 - 5567 - 22 - X ۱۱ س.م. ۶۴ ص.
 قهرستنویسی براساس اطلاعات فیبا.
 کتابنامه: ص. ۶۲ - ۶۴.
 چاپ یازدهم: ۱۳۷۹.
 ۱. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق.
 - احادیث. الف. عنوان.
 ۲۹۷ / ۹۵۹ BP ۵۱ / ۶
 ۶۷۸ - ۱۳۴۹۳ کتابخانه ملی ایران



۶۴۸۰۰۲۶

انتشارات نیک معارف

نام کتاب: فضائل المهدی علیه السلام

مؤلف: علی اکبر تلافی داریانی

نوبت چاپ: یازدهم؛ ۱۳۷۹

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ: شفق

صحافی: مجید

قیمت: ۹۵ تومان

مرکز پخش: ۶۴۸۰۰۲۶ - ۶۴۶۷۴۳۵

شابک X - ۲۲ - X ۹۶۴ - ۵۵۶۷ - ISBN 964 - 5567 - 22 - X

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَهِّبَ عَنْكُمُ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا»:

حقیقت آنکه الله خواهد از شما اهل بیت هرگونه
پلیدی را ببرد و شما را پاکیزه کند. (احزان ۳۲)

از آنجا که رب العالمین خلعت عصمت و طهارت را بر
قامت قوم رسول الله و خاندان پاکش علیهم السلام راست
گرداند و آن بزرگواران در مراحل زندگی خود هیچ گونه
لغزشی را مرتكب نشدند، ما بندگان را گریز و گزیری نمایند
جز آنکه از سر فقر و افتخار روبه جانب آنان کنیم و از آنان
هرچه آموختنی است بیاموزیم؛ شاید که در شاهراه هدایت
قدمی چند فراپیش نهیم.

البته چنین مقصودی حاصل نشود جز آن هنگام که به
متون اصیل و معتبر اسلامی مراجعه کنیم و شخصیت ممتاز و
بی نظیر آن دو دمان گرامی را در مقام علم و عمل بشناسیم.
از این رو برآن شدیم که با فراهم آوردن مجموعه حاضر
هم خود بهره‌ای برده باشیم و هم سهمی هر چند اندک در

آشنایی مردم مسلمان، خاصه جوانان، با اهل بيت علیهم السلام
داشته باشیم.

در هر جزء از اين مجموعه، ابتدا زندگاني و تاريخ مختصر
يکي از آن خاندان مبارك ارائه شده و به دنبال آن فضائل و
مناقبش گفته آمده است.

گفتني است که فضائل و مناقب اهل بيت علیهم السلام
بيش از آن است که در دفتری بگنجد ولی به لحاظ:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگي باید چشيد
فقراتي کوتاه از آنها را برقزيده، باز گومي کnim.
در اين مجموعه سعى بر اين بوده که هر مطلب يا حديثى
مبتنی بر مدارك درجه اوّل اسلامى باشد تا اطمینان بيشترى
براي خوانندگان گرامى حاصل آيد.

اميد آنکه پرتوی از فضائل آن اسوه های الهى در گفتار،
کردار و انديشة ما نيز انعکاس يابد و آن بزرگواران ما را نيز
در زمرة شيعيانشان بپذيرند.

از خداوند كريم تعجیل در ظهور آخرین ایشان حضرت
مهدي عليه السلام را مسألت داريم.

علی اکبر تلافی

۲۴ شوال ۱۴۱۳

تهران: ص. پ ۴۵۳/۴۴۵۵

فهرست مطالب

زندگانی امام مهدی علیه السلام	۷
خالی نبودن زمین از حجت الهی	۲۳
وجوب شناسائی امام زمان علیه السلام	۲۴
تحريم انکار مهدی علیه السلام	۲۷
نسب مهدی علیه السلام	۲۹
شباخت مهدی به پیامبران علیهم السلام	۳۳
حکمتهای غیبت مهدی علیه السلام	۳۷
بهره وری از مهدی علیه السلام در زمان غیبت	۴۲
عنایات مهدی علیه السلام به شیعیان	۴۲
انتظار ظهور مهدی علیه السلام	۴۳
آماده بودن برای یاری مهدی علیه السلام	۴۶

خدمت به مهدی علیه السلام	47
دینداری در دوران غیبت	47
اشتیاق مهدی علیه السلام	50
حزن و اندوه برای مهدی علیه السلام	50
گریستن برای مهدی علیه السلام	52
دعا برای تعجیل فرج مهدی علیه السلام	52
خروج مهدی علیه السلام	53
حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام	57
جلوه‌هایی از حکمرانی مهدی علیه السلام	59
فهرست منابع	62

زندگانی امام مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین و آخرین امام از سلسله پاک امامت و ولایت الهی است. ولادت با سعادت آن حضرت، مقارن با طلوع فجر جمعه نیمة شعبان از سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرآ به وقوع پیوست. (کمال الدین ۴۲۸/۲ و ۴۳۳ و ۴۲۴ و ۴۳۰) پدر گرامیش، امام حسن عسکری علیه السلام است، و مادر عزیزش نرجس که از طرف پدر نواده قیصر روم و از جانب مادر سلاله شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام می باشد. (کمال الدین ۴۲۰/۲ و ۴۲۴)

آن حضرت، در نام و کنیت بانیای خویش رسول الله صلی الله علیه و آله موافقت دارد و لقبهای شریفش مهدی، حجت، قائم، منتظر، صاحب الزمان و خلف صالح آمده که

مشهورترین آنها مهدی است. (الفصول المهمة ۲۹۲، نورالابصار ۱۶۸) ابن خلکان نویسد: لقب معروف او حجت است. شیعه همو را منتظر و قائم و مهدی می داند. (وفیات الاعیان ۱۷۶/۴) و محدث نوری برای آن حضرت ۱۸۲ لقب از متون اسلامی گردآورده که هر کدام بر فضیلت از فضایل آن عالی گهر دلالت دارد. (بجم ثاقب ۴۱ - ۹۸)

* * *

از آنجا که حاکمان ستمکار عباسی بر پایه نویدها و بشارتهای رسیده از رسول الله صلی الله علیه و آله می دانستند که فرزندی به نام مهدی از امام حسن عسکری علیه السلام زاده خواهد شد و هم خروج خواهد کرد و بساط ظلم و جور را از صحن گیتی برخواهد چید، در صدد بودند که اگر چنین نوزادی پدید آید، او را از میان بردارند. از این رو تولد و مراحل رشد و نموقظاهری آن حضرت، همچون حضرت ابراهیم علیه السلام، در پنهانی صورت گرفت و جز خاندان و شیعیان خاص از وجود حضرتش آگاهی نداشتند. با وجود این، امام حسن عسکری علیه السلام، در فرصتی مناسب، ایشان را به

برخی از اصحاب خاص خویش نشان می دادند تا شیعیان در آینده در مسأله امامت به ضلالت و گمراهی نیفتند، و در دینشان ثابت و استوار باقی مانند.

ابوغام خادم گوید: ابو محمد علیه السلام را فرزندی به هم رسید و نامش را محمد نهاد و او را در روز سوم به اصحابش عرضه کرد و فرمود:

هذا صاحبُکُمْ مِنْ بَعْدِی وَ خَلِيفَتِی عَلَيْکُمْ. وَ
هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ.
فَإِذَا أَفْتَلَتِ الْأَرْضُ جَزْرًا وَ ظُلْمًا، خَرَجَ
فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا.

این نوزاد، صاحب شما پس از من و جانشین من برشماست. واو همان قائمی است که مردمان از سر انتظار، به سوی او گردن کشند و چشم به راهش باشند. پس آن گاه که زمین لبریز از جور و ظلم گردد، خروج کند و آن را از قسط و عدل آکنده سازد. (کمال الدین ۴۳۱/۲)

ساهای اول زندگانی حضرت مهدی علیه السلام به همین
منوال گذشت تا اینکه به سال ۲۶۰ هجری، در سن پنج سالگی
پدر عزیزش را از دست داد. (کافی ۵۰۳۸)

در پی این حادثه غم انگیز، امامت و رهبری شیعیان به آن
حضرت انتقال یافت. حضرتش در آن هنگام، از کمالات و
دانشهای الهی همان را داشت که دیگر امامان داشتند و این مقام
و منزلتی بود که خدای تعالی به حضرتش عنایت فرمود.
چنانکه یحیی بن زکریا را در حال صباوت و عیسی بن مریم را در
وقت طفولیت، مقام سامی نبیت کرامت فرمود. (مرم ۱۲۰ و ۳۰۱)

* * *

چنانکه یاد شد، حضرت مهدی علیه السلام به دور از دیده
مردم می‌زیست و با افراد اندکی معاشرت داشت. جعفر عمومی
آن حضرت، با استفاده از این مسأله، به دروغ خود را جانشین
و وارث حضرت عسکری علیه السلام معرفی کرد. و به همین
علت است که او را کذاب لقب داده‌اند. (کمال الدین ۳۹۹۱)

ابوالادیان می‌گوید: صدای شیون از منزل امام حسن
عسکری علیه السلام بلند بود... و جعفر بن علی برادر آن

حضرت رانیز بدیدم که بر در خانه نشسته بود و شیعیان نیز او را تسلیت و تبریک می‌گفتند (تسلیت برای رحلت برادر و تبریک برای جانشینی). با خود گفتم که اگر این شخص امام باشد، امامت ازین رود! زیرا من پیشتر او را می‌شناختم؛ شراب می‌خورد و قارمی باخت و تنبور می‌نواخت.... در این حال، عقید خادم بیرون آمد و به جعفر گفت: آقای من! برادرت را کفن کردند، برخیز و بر او غاز گزار.

جعفر و شیعیان هررا وی داخل شدند. چون در خانه جای گرفتیم، دیدیم که پیکر حضرت عسکری صلوات الله علیه را کفن کرده، بر روی تابوئی نهاده‌اند. جعفر پیش ایستاد که بر برادر غاز گزارد. چون خواست که تکبیر گوید، ناگاه کودکی گندمگون، پیچیده موی و گشاده دندان بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: ای عموم! پس بایست که من سزاوارترم به غاز برپدرم!

جعفر که رنگ از چهره‌اش پریده بود عقب رفت و آن کودک پیش ایستاد و بر پدر غاز خواند. (کمال الدین ۴۷۵/۲ و ۴۷۶) خبر وجود فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام

انتشار یافت و مأموران حکومتی به سعایت جعفر کذاب، بر تفتش و جستجوی خود شدَت بخشیدند. و در این راه آزار و اذیتهای فراوان برای خانواده حضرت عسکری علیه السلام فراهم آوردند، ولی کوشش‌های آنان حاصلی دربر نداشت.

جهفر کذاب نیز از ادعای خود طرفی نسبت و تنها توانست میراث آن حضرت را به یغما برداشد. (الارشاد ۳۳۶/۲) از این روست که امام حسین علیه السلام فرمود:

قائِمُ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي. وَ هُوَ

صَاحِبُ الْفَيْبَةِ. وَ هُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيراثَهُ وَ هُوَ حَيٌّ.

قائم این امت همان نهمین از فرزندان من است. و

اوست که غیبت کند. و اوست که میراثش تقسیم

شود در حالی که زنده باشد. (کمال الدین ۳۱۷/۱)

* * *

در هر حال سلسله امامان دوازده گانه از هم نگست و امامت اهلی به راه خود ادامه داد؛ ولی پیگیری و تعقیب دشمن خطری بس جدی بود که جان امام دوازدهم را تهدید می‌کرد.

و همین امر و پاره‌ای از عوامل دیگر ایجاب می‌کرد که آن حضرت در غیبت به سر برند و به دور از دیده مردم زندگی کنند.

گفتنی است که نهان زیستی مختص حضرت مهدی عليه السلام نیست، بلکه در زندگی بسیاری از پیامبران و خود امامان هم، پیشینه دیرین داشته است. در قرآن مجید از پنهان زیستی پیامبرانی چون حضرت ابراهیم (مرم ۴۸ و ۴۹) و حضرت موسی (القصص ۲۱ و ۲۲) و حضرت عیسی (نساء ۱۵۷) یاد شده است. پیامبر اسلام و امامان علیهم السلام مسأله غیبت آخرین حجت را به مردم خاطر نشان می‌ساختند و هر گونه شک و تردید را در این مورد از دلخواه آنان می‌زدودند.

* * *

غیبت امام دوازدهم دو مرحله دارد، یکی غیبت صغیری (کوتاه مدت) و دیگری غیبت کبری (دراز مدت).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لِنَقَائِمُ فَيَبْتَانُ إِنْحَادُهَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ.

الْقِيَّبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةً
شَيْءَتِهِ، وَالْآخِرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةً
مَوَالِيهِ.

از برای قائم دو غیبت باشد؛ یکی کوتاه است و
دیگری دراز. در غیبت نخستین، فقط شیعیان خاص
از مکان حضرتش آگاهند. و در دیگری تنها
خدمتگزاران ویژه حضرتش از مکان او باخبر
می‌باشند. (الکاف، ۳۴۰/۲، غيبة النعما۱/۱۷۰)

غیبت صغری بنا به قول مشهور از سال ۲۶۰ هجری،
ابتدای امامت حضرت مهدی علیه السلام، آغاز شد و حدود
۶۹ سال به طول انجامید. برخی عالمان چون شیخ مفید و سید
محسن امین عاملی، آغاز غیبت صغری را از هنگام ولادت آن
حضرت به شمار آورده‌اند. (الارشاد، ۳۴۰/۲، اعيان الشیعه ۴۶۲) زیرا
در آن سال‌ها نیز، حضرتش به دور از نظرها می‌زیسته است. با
این حساب، دوره غیبت صغری ۷۴ سال می‌شود.

حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت صغری چهار
تن از شیعیان صالح خود را به عنوان سفیر معرفی نمودند که هر

یک پس از وفات دیگری، به انجام این وظیفه بزرگ می‌پرداختند. این چهار تن سؤالات و مشکلات مردم را به آن حضرت عرضه می‌کردند و پاسخهای ایشان را به مردم می‌رساندند.

نخستین آن بزرگواران، جناب ابو عمر و عثمان بن سعید عمری بود که پیشتر، از جانب امام هادی و امام عسکری علیهم السلام نیز به مقام سفارت منصوب شده بود. (غيبة الطوسی ۲۵۳)

شیخ طوسی نویسنده روزی حدود چهل تن از شیعیان حضور امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدند و از حضرتش تقاضا کردند که حاجت پس از خویش را به آنان معرفی کند.... ناگاه پسری دیدند همچون پاره ماه که شبیه‌ترین مردمان به ابو محمد علیه السلام بود. آن گاه حضرتش فرمود:

هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيقَتِي عَلَيْكُمْ:
أَطِيعُوهُ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فَتَهْلِكُوا فِي
أَدِيَانِكُمْ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ مِنْ بَعْدِي
يَوْمَكُمْ هَذَا حَتَّى يَتَمَّلَهُ عُمُرٌ. فَاقْبَلُو مِنْ
عُثْنَانَ مَا يَقُولُهُ، وَ انتَهُوا إِلَى أَفْرِيهِ، وَ اقْبَلُوا

قَوْلَهُ فَهُوَ خَلِيفَةُ إِمَامِكُمْ وَالْأَمْرُ إِلَيْهِ.

این، پس از من امام شداست و جانشین من است
بر شما. او را اطاعت کنید، و پس از من پراکنده
نشوید، که دینستان تباہ می شود و به هلاکت
می افتد. بدانید که پس از امروز، او را خواهید دید
تا اینکه عمری از او سپری گردد. بنابر این،
هر آنچه عنان بگوید بپذیرید و به فرمانش گردن
نهید و گفتارش را قبول کنید. زیرا وی جانشین امام
شماست و کار بر عهده اوست. (غيبة الطوسی ۳۵۷)

پس از درگذشت عثمان بن سعید، فرزند عالی مقام او
محمد بن عثمان به فرمان امام زمان علیه السلام منصب پدر را
بر عهده گرفت. (غيبة الطوسی ۳۶۲)

شیخ طوسی درباره این پدر و پسر آورده که نامه های
صاحب الامر علیه السلام توسط عثمان بن سعید و پسرش
ابو جعفر محمد بن عثمان به دست شیعیان و خاصان پدرسش
ابو محمد علیه السلام می رسید. این نامه ها حاوی امر، نهی و
پاسخ به سؤالات شیعیان بود. (غيبة الطوسی ۳۵۶)

محمد بن عثمان در آخر جادی الاول سال ۳۰۵ یا ۳۶۶ هجری از دنیا رفت. (غيبة الطوسي ۳۶۶)

هنگامی که حال او در بستر بیماری روبه شد گذاشت، جماعتی از شیعیان بر بالین وی گرد آمدند و به او گفتند: اگر حادثه‌ای برایتان پیش آید، چه کسی به جای شما خواهد بود؟ او در پاسخ گفت: این ابوالقاسم حسین بن روح بن ابوجهر نویختی جانشین من است. و او سفیر بین شما و صاحب الامر علیه السلام، وکیل او و مورد اطمینان و امین است. به او رجوع کنید و در کارهای مهم به او اعتقاد کنید. مر امر شده بود که این را ابلاغ کنم و ابلاغ کردم. (غيبة الطوسي ۳۷۱ و ۳۷۲)

حسین بن روح نویختی از زمرة ده کارگزار محمد بن عثمان در بغداد بود و ساهای درازی را با او همکاری و معاشرت داشت. این کارگزاران با شیعیان در ارتباط بودند و به امور آنان سامان می‌دادند. (غيبة الطوسي ۳۶۹ و ۳۷۲) وی در ماه شعبان سال ۳۲۶ هجری در گذشت. (غيبة الطوسي ۳۸۷)

آخرین سفیر، ابوالحسن علی بن محمد سمری بود که به وصیت حسین بن روح نویختی از جانب حضرت صاحب الامر

علیه السلام متصدّی این منصب شد. (غيبة الطوسي/ ۳۹۳)

وی پس از گذشت سه سال، در نیمة شعبان سال ۳۲۹ هجری چشم از جهان فروبست. (غيبة الطوسي/ ۳۹۴)

قبر این چهار بزرگوار که به «نواب اربعه» مشهورند، در شهر بغداد واقع شده است. (غيبة الطوسي/ ۳۵۸ و ۳۶۶ و ۳۸۶ و ۳۹۶)

حتاًسَرِينَ فَرَازَ دُورَانَ غَيْبَتِ صَفْرَى، مَرْگَ عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ سَمُّرِى بُود. زیراً همزمان با مرگ او، دوران ارتباط مستقیم با امام زمان عليه السلام به انجام رسید و عصر غیبت کبری آغاز گردید.

شش روز پیش از آنکه علی بن محمد سمری از دنیا برود، نامه‌ای خطاب به او از ناحیه مقدسه صادر شد که در آن آمده بود:

و لَا تُوصِّي إِلَى أَحَدٍ يَقُولُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ.
فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ النَّامَةُ فَلَا ظُهُورٌ إِلَّا بَعْدَ
إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمْدِ وَقَسْوَةِ
الْقُلُوبِ وَامْتِلَاعِ الْأَرْضِ جَزُورًا.

وبه احدی وصیت مکن که پس از مرگت

جایگزین تو گردد. چه، غیبت کامل آغاز شد و
دیگر ظهوری در کار نیست مگر پس از اذن خدای
عز و جل. و آن پس از مدت دراز و سخنی دها و
پرشدن زمین از ستم باشد. (کمال الدین ۵۱۶/۲، غيبة

الطوسی/۳۹۵)

* * *

بدینسان آفتاب طلعت آن حجت الهی به طور کامل در
پس پرده غیبت قرار گرفت و دوران ارتباط مستقیم با آن
حضرت به انجام رسید.

با وجود این، آن حضرت امام زمین و زمان است و حجت
خدای. گرچه شخص ایشان از ما نهان است، ولی حکم‌ش بر ما
عيان است. امیر المؤمنین علیه السلام برفراز منبر کوفه فرمود:

إِنَّ غَابَ عَنِ النَّاسِ سَخْصُهُ فِي حَالٍ هِدَايَتِهِمْ، فَإِنَّ
عِلْمَهُ وَآدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثْبَتَةٌ
فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ.

اگر جسم حجت خدای از دیده مردم در حال

هدایتشان پنهان شود، دانش و آداب او در دهای
مؤمنان ثابت است و آها را به کار می‌بندند. (کمال

الدين ۳۰۲۸)

روشن است که دانش و آداب امام عصر علیه السلام همان
قرآن و سنت او و نیا کان پاک اوست. و اهل ایمان تکلیف
دارند تا روز قیامت به قرآن و سنت عمل کنند و لحظه‌ای از
این کار باز نماند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ تَارِكَ فِيْكُمُ الشَّقَائِقَ إِنَّمَا يَعْتَرِفُ أَهْلَ
بَيْنِي: إِنَّ تَسْمَكْتُمْ بِهِ الَّذِينَ تَضَلُّوا. وَإِنَّهَا لَنَّ
يَفْتَرِقُ حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىٰ الْحَوْضَ.

من دو چیز گران در میان سما به یادگار می‌نمایم:
کتاب خدای و عترتم که اهل بیت منند. اگر به این
دو قسمک جو بید، به گمراهی و ضلالت نیفتید. و
بدانید که آن دوازیکدیگر جدا نشوند تا آنکه
روز قیامت بر من وارد آیند. (بناییع الموده ۳۵)

* * *

در دوران غیبت کبری به حکم اینکه ارتباط مستقیم با امام زمان علیه السلام مقدور نیست، وظیفه مردمان آن است که برای آشنایی با دستورات قرآن و اهل بیت علیهم السلام به عالمان ربانی و فقیهان وارسته و عادل مراجعه کنند و با راهنمای آنان تکالیف دینی خود را به کار بندند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنَالنَّسْفِيَّةِ، حَافِظًا
لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ
يُقْلِدُوهُ. وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَغْضَ فُقَهَاءِ
الشِّيَعَةِ لِاجْمِيعِهِمْ.

واما هر که از فقیهان، نفس خوبیش را نگهداردو
دین خود را حفظ کند، و با خواسته‌های نفس خود
مخالفت نماید، و مطیع امر مولایش باشد، عوام
راست که از او تقلید کنند. و این شامل بعضی از
فقیهان شیعه باشد نه تمامی آنها. (تفسیر الامام/ ۳۰۰)

و فقیهان دین نیز وظیفه دارند مردم را با حقایق دینی آشنا

سازند و از رسیدگی به امور آنان کوتاهی نورزنند و زمینه‌های ظهور مولایشان حضرت مهدی علیه السلام را فراهم آورند. باشد که با آمدن آن حضرت، پایه‌های دین مستحکم شود و صحن گیتی لبیز از عدل و داد گردد.

..... خالی نبودن زمین از حجت الهی

قال امیر المؤمنین علیه السلام:

● لَا تَخْلُوُ الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرٌ مَسْهُورٌ، وَ
إِمَّا خَافٍ مَغْمُورٌ، لِئَلَّا تُبْطَلَ حُجَّةُ اللَّهِ وَبَيْنَاتُهُ.

کمال الدین ۲۹۱/۱

□ زمین از برپا دارندۀ حجت تهی نباشد؛ چه او آشکار باشد و مشهور و چه مخفی و پنهان. و این از آن روست که حجتها و بیانات الهی باطل نشود.

قال الصادق علیه السلام:

● الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ.

کمال الدین ۲۲۱ و ۲۳۲/۱

□ حجت الهی هماره هست؛ پیش از خلق، همراه با خلق و پس از خلق.

قال الصادق علیه السلام:

● إِنَّ اللَّهَ أَجْلٌ وَأَعْظَمٌ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَدْلٍ.

کمال الدین ۲۲۹/۱ و ۲۳۴

□ به راستی خدای والاتر و بزرگتر از آن است که زمین را بی‌امام عادل رها سازد.

قال الصادق عليه السلام:

● لَوْلَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ، لَكَانَ أَحَدُهُمَا حُجَّةً. وَلَوْذَهَبَ أَحَدُهُمَا بَقِيَ الْحُجَّةَ.

كمال الدين ۲۳۳۱

□ اگر در زمین نباشد مگر دو تن، یکی از آن دو حجت است. و چنانچه یکی بمیرد، حجت باقی بماند.

قال الرضا عليه السلام:

● إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا إِمَامٌ مِنَّا.

كمال الدين ۲۹۹۱

□ حقیقت آنکه زمین از وجود امامی از ما خالی نماند.

..... وجوب شناسایی امام زمان عليه السلام

قال عثمان العمری:

● سُئلَ أَبُو مُحَمَّدَ الْحَسْنُ بْنُ عَلَيٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ - وَأَنَا

عِنْهُ - عَنِ الْخَبِيرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمامَ زَمَانِيهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ. فَقَيْلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَنْ هُجَّةُ وَإِلَمَامُ بَعْدَكَ؟ فَقَالَ: إِبْنِي مُحَمَّدٌ. هُوَ إِلَمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي. مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. كِمالُ الدِّينِ، ۴۰۹۲، وَكِفَايَةُ

الْأَثْرِ / ۲۹۲

□ من نزد امام حسن عسکری علیه السلام بودم که از حضرتش پرسیدند درباره حدیثی که از پدرانش علیهم السلام نقل می کنند که زمین از حجت الهی تا روز رستاخیز خالی نماند و هر که بمیرد و امام زمانش را نشناشد، به مرگ جاهلی مرده است. آن حضرت فرمود: این حق است چنانکه روز حق است. به ایشان گفتند: ای زاده رسول الله، حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود: پسرم محمد. او امام

و حجت پس از من است. هر که بمیرد و او را
شناسد به مرگ جاهلی مرده است.

* به گواهی امام صادق علیه السلام، مرگ
جاهلی همان مرگ در حال ضلالت و گمراهی
است. (الكافی ۳۷۶۸)

* در اهمیت شناسایی امام زمان، همین بس که وقتی
زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر من
دوران غیبت را درک کردم، چه عملی انجام دهم؟

در پاسخ فرمود: برخواندن این دعا مداومت کن:
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِّفْنِي
نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيًّاكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ.
فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ.
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِّفْنِي
حُجَّتَكَ، ضَلَّتُ عَنِ الدِّينِ.

خدایا! خودت را به من بشناسان. چه، اگر خودت را
به من نشناسانی، پیامبرت را نشناسم. خدایا!

پیامبرت را به من بشناسان. چه، اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجّت را نشناسم. خدایا! حجّت را به من بشناسان. چه، اگر حجّت را به من نشناسانی، از دینم گمراه شوم. (کمال الدین ۳۴۲/۲ و ۳۴۳، غيبة النعمانی ۱۶۶)

(الكافی ۳۳۷/۸)

..... تحریم انکار مهدی علیہ السلام

قال رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِہِ وَسَلَّمَ: ● مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِی، فَقَدْ أَنْكَرَنِی.

کمال الدین ۴۱۲/۲

□ هر که قائم از فرزندانم را انکار کند، مرا انکار کرده است.

قال رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِہِ وَسَلَّمَ: ● الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِی. اسْمُهُ اسْمِي. وَ كُنْبَتُهُ كُنْبَتِي. وَ شَهَادَةُ شَهَادَى. وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي. يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي. وَ يَدْعُو هُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ. مَنْ أطَاعَهُ، فَقَدْ أطَاعَنِی. وَ مَنْ

عَصَاهُ، فَقَدْ عَصَانِي. وَمَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ،
فَقَدْ أَنْكَرَنِي.

كمال الدين ٤١١/٢

□ قائم از فرزندان من است. نامش نام من، و کنيه اش کنيه من، و شمائش شمايل من، و سنتش سنت من باشد. مردم را بردین و روش من استوار می دارد و آنان را به کتاب پروردگار -عز و جل- من فرا خواند. هر که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده. و هر که از او سرپیچی کند، از من سرپیچی کرده. و هر کس او را در زمان غیبتش انکار کند، مرا انکار کرده است.

قال الصادق عليه السلام:

● مَنْ أَقَرَّ بِالْأَثْمَمِ مِنْ آبائِي وَوُلْدِي وَجَحَدَ
الْمَهْدَى مِنْ وُلْدِي، كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ
الْأَنْبِياءِ وَجَحَدَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

كمال الدين ٤١١/٢، ٣٣٨

□ هر که به امامان از نیاکان و فرزندانم معتقد باشد و
مهدی از فرزندانم را انکار کند، همانند کسی است
که به همگی پیامبران معتقد باشد و محمد صلی الله
علیه و آله را انکار کند.

..... نسب مهدی علیه السلام

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
● المَهْدِيُّ مِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

سنن ابن ماجه ۲۳۷۲، المستدرک

على الصحيحين ۵۵۷/٤

□ مهدی از ما اهل بیت است.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
● إِنَّ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامٌ أَمَّتِي وَخَلِيفَتِي
عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي. وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلأُ
اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًاً وَقِسْطًاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

کمال الدین ۲۸۸۱، فرائد

السمطین ۳۳۶ و ۳۳۵/۲

□ علی بن ابی طالب علیه السلام، پس از من پیشوای امت من و جانشین من بر آنان است. و از جمله فرزندان اوست آن قائممنتظر که خدای به واسطه او زمین را از عدل و داد می‌آکند آن گونه که از جور و ظلم لبریز شده باشد.

قال رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِہِ وَسَلَّمَ ●
الْمَهْدَیُ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.

سنن ابن ماجه ٢٤٢

□ مهدی از فرزندان فاطمه است.

حدیفه گوید: رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِہِ وَسَلَّمَ ●
لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ
ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ
كَاسْمِي. فَقَالَ سَلْمَانُ: مِنْ أَيِّ وُلْدِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
قال: مِنْ وَلَدِي هَذَا. وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ.

ذخائر العقبی ١٣٧ و ١٣٨، فرائد

السمطین ٣٣٦/٢

□ اگر از عمر جهان جز یک روز نمانده باشد، خدای آن روز را دراز دامن کند تا اینکه مردی از فرزندانم برانگیخته شود که همنام من است. سلمان عرض کرد: ای رسول خدا، از کدامین فرزندانت باشد؟ فرمود: از این فرزندم. و بادست مبارکش برسین زد.

مردی یهودی به نام نعشل از رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ:

● أَخْبِرْنِي عَنْ وَصِيَّكَ مَنْ هُوَ؟ فَإِنْ نَبَيَ إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ وَإِنْ نَبِيَّنَا مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ أَوْصَى إِلَى يُوشَعَ بْنَ نُونٍ. فَقَالَ: نَعَمْ. إِنَّ وَصِيَّيِّ وَالخَلِيفَةِ مِنْ بَعْدِي عَلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَبَعْدَهُ سَبْطَائِي؛ الْحَسْنُ وَالْحَسِينُ. تُتْلُوهُ تِسْعَةً مِنْ صُلْبِ الْحَسِينِ؛ أَئْمَاءُ أَبْرَارٍ. قَالَ: يَا مُحَمَّدَ، فَسَمِّهِمْ لِي. قَالَ: نَعَمْ. إِذَا مَضَى الْحَسِينُ فَابْنُهُ عَلَىٰ. فَإِذَا مَضَى عَلَىٰ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ. فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ جُعْفَرٌ. فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَابْنُهُ مُوسَى. فَإِذَا مَضَى مُوسَى

فَابْنُهُ عَلَىٰ. فَإِذَا مَضَى عَلَىٰ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ. فَإِذَا
مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ عَلَىٰ. فَإِذَا مَضَى عَلَىٰ فَابْنُهُ
الْحَسَنُ. فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَبَعْدَهُ ابْنُهُ
الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنٍ عَلَىٰ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. فَهَذِهِ
اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً عَلَى عَدِيدٍ نُقَبَاءٍ بَنِي اسْرَائِيلَ.

فرائد السقطین، ۱۳۳۲، وکفایة

الأثر/ ۱۳ و ۱۴، وبنایع الموده/ ۴۴

□ مرا خبر ده که وصی تو کیست؟ چه، از برای هر پیامبری وصیتی باشد و پیامبر ما موسی بن عمران به یوشع بن نون وصیت کرد. فرمود: باشد. وصی من و خلیفه پس از من علی بن ابی طالب علیه السلام است. و پس از او دو نواده‌ام حسن و حسین. و پس از حسین نه تن از نسل حسین؛ امامانی نیک باشند. گفت: ای محمد، نام آنان را برای من بازگو. فرمود: باشد. آن‌گاه که حسین درگذرد فرزندش علی، و پس از علی فرزندش محمد، و پس از محمد فرزندش جعفر، و پس از جعفر فرزندش موسی، و

پس از موسی فرزندش علی، و پس از علی فرزندش محمد، و پس از محمد فرزندش علی، و پس از علی فرزندش حسن، و پس از حسن فرزندش حجت بن الحسن بن علی علیهم السلام باشد. پس اینان دوازده امامند، به عدد نقبیان بني اسرائیل.

..... شیاهت مهدی به پیامبران علیهم السلام

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ● المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِيِّ اسْمُهُ اسْمِيُّ وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِيُّ.
أَشْبَهُ النَّاسَ بِ خَلْقَأَ وَ خُلْقَأَ تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ
حَيْرَةٌ تَضَلُّ فِيهَا الْأَمْمُ. ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ
الثَّاقِبِ. يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.

کمال الدین ۲۸۶۱، فرائد

السمطین ۳۳۵/۲

□ مهدی از فرزندان من است. نامش نام من است و کنیتش کنیت من. او در خلقت و خوی شبیه ترین مردمان به من است. او را غیبت و حیرتی باشد که

در آن امتحان به گمراهی افتند. پس از آن، بسان
شهابی فروزان بباید و زمین را از عدل و داد پر کند
آن گونه که از جور و ظلم لبریز شده باشد.

قال الباقر عليه السلام:

● إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَبَّهًا
مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ: يُونُسُ بْنُ مَتَّىٰ، وَيُوسُفُ بْنُ
يَعْقُوبَ، وَمُوسَى، وَعِيسَى، وَمُحَمَّدٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِمْ.

فَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّىٰ، فَرُجُوعُهُ مِنْ غَيْبَتِهِ
وَهُوَ شَابٌ بَعْدَ كِبَرِ السَّنَنِ.

وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،
فَالْغَيْبَةُ مِنْ خَاصِّتِهِ وَعَامَّتِهِ، وَاخْتِفاؤهُ مِنْ
إِخْوَتِهِ، وَإِشْكَالُ أُمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
مَعَ قَرْبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَبِيهِ وَأَهْلِهِ وَ
شَيْعَتِهِ.

وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَوْامُ خَوْفِهِ،

و طُولُ غَيْبَتِهِ و خِفَاءُ لِادِّتِهِ، و تَعْبُ شِيعَتِهِ مِنْ
 بَعْدِهِ مِمَّا لَقُوا مِنَ الْأَذِى وَالْهُوَانِ إِلَى أَنْ أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ فِي ظُهُورِهِ وَنَصَرَهُ وَأَيَّدَهُ عَلَى عَدُوِّهِ
 وَأَمَا شَبَهُهُ مِنْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَاخْتِلَافٌ مَّنْ
 اخْتَلَفَ فِيهِ حَتَّى قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ: مَا وُلِدَ، وَ
 قَالَتْ طَائِفَةٌ: ماتَ، وَقَالَتْ طَائِفَةٌ: قُتِلَ وَصُلِّبَ.
 وَأَمَا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصَطَّفِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَأَعْدَاءُ
 رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالجَبَارِينَ وَالظَّوَاغِيَّتَ.

كمال الدين ۳۲۷/۱

□ به راستی در قائم از آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 شباہتی است به پنج تن از رسولان: یونس بن متی،
 یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی، و محمد صلوات
 اللَّهُ عَلَيْهِمْ.

اما شباہتش به یونس بن متی، بازگشت او از غیبت
 باشد در حالی که با وجود سن بسیار و کهنسالی،
 جوان باشد.

و اما شباہتش به یوسف بن یعقوب علیہما السلام، پنهان زیستن از خاص و عام، و مخفی شدن از برادران و پوشیده شدن امر او بر پدرش یعقوب علیہما السلام باشد. و این در حالی بود که بین او و پدر و کسان و پیروانش فاصله نزدیکی بود.

و اما شباہتش به موسی علیه السلام، پیوستگی ترس، و دراز بودن غیبت و پنهان بودن تولد اوست و اینکه پیروانش پس از او از اذیت و خواری در رنج بودند تا اینکه سرانجام خدای عز و جل ظهرورش را اذن داد و او را بر دشمنش یاری و نصرت فرمود.

و اما شباہتش به عیسی علیه السلام، اختلاف کسانی است که درباره او اختلاف کردند. گروهی از ایشان گفتند: زاده نشده، و برخی گفتند: مرد، و عده‌ای گفتند: کشته شد و به صلیب آویخته گشت. و اما شباہتش به نیای خویش مصطفی صلی اللہ علیه وآلہ، خروج او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول صلی اللہ علیه وآلہ و جباران و سرکشان است.

قال السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

● فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِّنْ نُوحٍ وَهُوَ طَوْلُ الْعُمَرِ.

كمال الدين ۳۲۲/۱، وج ۵۴/۲

□ در قائم سنتی از نوح است که آن طولانی بودن عمر او باشد.

..... حکمت‌های غیبت مهدی علیه السلام

۱. گریز از بیعت با طاغوتها

قال أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

● إِنَّ الْقَائِمَ مِنَا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ
بَيْعَةٌ. فَلِذِلِكَ تَخْفِي وِلَادَتُهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ.

كمال الدين ۳۰۳/۱

□ قائم از ما چون قیام کند، بیعت هیچ کس را در گردن ندارد. و به همین علت است که در نهان متولد شود و از دیده‌ها پنهان گردد.

* لازم به ذکر است که هر یک از امامان ما دست کم مدتی از عمر عزیز خویش را در قلمرو و حیطه حکومتهاي ظلم و جور سپری کردند به گونه‌ای که رویارویی با آن حکومتها را به لحاظ حفظ کیان اسلام و عدم آمادگی مردم، به کناری گذاردند و متعهد به پذیرش قرارهایی با آن حکومتها شدند. چنانکه امام حسین علیه السلام هم مدتی مصلحت ندید که بر ضد معاویه قیامی را ترتیب دهد. از این

رو حضرت مهدی علیه السلام فرماید:

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِّنْ آبائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ
بَيْعَةٌ لِطاغِيَّةٍ زَمَانِيهِ. وَإِنَّى أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ
لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِّنَ الطَّوَاغِيَّاتِ فِي عُنُقِيِّ.

حقیقت آنکه هر یک از پدرانم بیعتی از سرکشان زمان خویش را در گردن داشتند، ولی من در آن زمان که خروج نمایم، بیعت هیچ کس از طاغوتها در گردن من نباشد. (غیبة الطوسي/ ۲۹۲، کمال الدین ۴۸۵/۲)

۲. امتحان مردم

قال الكاظم عليه السلام:

● يا بُنَىٰ! إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ مِنَ الْأَثْمَةِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدِيَانِكُمْ. فَإِنَّهُ لَابُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ يَغْيِبُهَا حَتَّىٰ يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ. يَا بُنَىٰ! إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ امْتَحِنَ بِهَا خَلْقَهُ.

غيبة الطوسي ۱۶۶ و ۳۳۷،

الكافی ۳۳۶/۱، کمال الدین ۳۵۹/۲

و ۳۶۰، کفایة الأثر ۲۶۴ و ۲۶۵

□ فرزندم! چون پنجمین امام از فرزندان هفتمن از امامان ناپدید شود، از خدای درباره دینتان بترسید. زیرا که صاحب این امر را گزیری از غیبت نیست، غیبیتی که رویگردان شود از این آئین (تشیع)، بسیاری از کسانی که به آن معتقد باشند. فرزندم! آن غیبت، آزمونی الهی است که خدای، مردمان را به آن بیازماید.

۳. ترس از دشمن

قالَ الْكَاظِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

● القَائِمُ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، هُوَ
الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي. لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا خَوْفًا
عَلَى نَفْسِهِ.

كمال الدين، ۳۶۱/۲، وكفاية

الأنبر/ ۲۶۵ و ۲۶۶

□ قائمی که عرصه زمین را از لوث دشمنان خدای عز و جل پاکیزه گرداند و آن را البریز از عدل کند چنانکه از جور و ظلم آکنده باشد، همان پنجمین از فرزندان من باشد. او را، از بیم جان خود، غیبیتی باشد که مدتی طولانی شود.

* عاقلان جملگی برآند که آدمی باید از خطر بهراسد و بی هدف جان شیرین را به کام مرگ نفرستد. از این رو پیامبران و امامان علیهم السلام

همچون دیگر مردمان وظیفه دارند که از جان خود محافظت کنند و در این راه از هیچ کوششی در بین نورزنند. و حضرت مهدی علیه السلام نیز به عنوان آخرین فرد از تبار پاک آنان، وظیفه دارد برای آینده جهان خود را از گزند خائنان در امان نگاه دارد.

۴. تعلل و بی وفای مردم

قالَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

● لَوْ أَنَّ أَشْيَا عَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِّنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَّا تَأْخَرَ عَنْهُمُ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ يُمْشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.

الاحتجاج ۶۰۲۲

□ اگر شیعیان ما - که خدای آنان را بر طاعتیش توفیق دهاد - با دلهایی یکپارچه بر عهد خویش و فادر بودند، به یمن لقای ما نائل می شدند و سعادت دیدار

ما به آنان روی می آورد؛ دیداری که با شناخت
حقیقی و درست ایشان نسبت به ما، همراه بود.

..... بهره وری از مهدی علیه السلام در زمان غیبت

قال المَهْدُى عَلَيْهِ السَّلَامُ:

● أَمَا وَجْهُ الِانتِفَاعِ بِ فَغَيْبَتِي فَكَالِانتِفَاعِ
بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.

كمال الدين ٤٨٥/٢، غيبة الطوسي ٢٩٢/

□ و اما نحوه بهره وری از من در دوران غیبتم، همچون
بهره گیری از خورشیدی است که ابرها آن را از
دید گان پنهان داشته باشند.

..... عنایات مهدی علیه السلام به شیعیان

قال المَهْدُى عَلَيْهِ السَّلَامُ:

● إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَانَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ. وَ
لَوْلَا ذَلِكَ، لَنَزَلَ بِكُمُ الْلَّاؤَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ.

الاحتجاج ٥٩٨/٢

□ ما در رسیدگی به شما کوتاهی نکنیم و یاد شما را از خاطر نبریم. و اگر چنین نبود، سختی شدید بر شما وارد می‌شد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌ساختند.

.....انتظار ظهور مهدی علیه السلام

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

● أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انتظارُ الْفَرَجِ.

کمال الدین، ۲۸۷۱، فرائد

السمطین ۳۳۵/۲

□ برترین عبادت انتظار فرج است.

قال أمير المؤمنین علیه السلام:

● إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَنْسِأُوهُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انتظارُ الْفَرَجِ مَادَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ.

الخصال ۶۱۶/۲

□ منتظر فرج و گشايش باشيد و از رحمت الهی نوميد مشويد. چه، محبوترین اعمال نزد خدای عز و جل

انتظار فرج است، هنگامی که بندۀ با ایمان بر آن
مداومت ورزد.

قال السجّاد عليه السلام:

● إِنَّتِظَارُ الْفَرَّاجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَّاجِ.

الاحتجاج ۱۵۴/۲، کمال

الدین ۳۲۰/۱

□ انتظار فرج خود از بزرگترین گشايشهاست.

قال الصادق عليه السلام:

● مَنْ ماتَ مِنْكُمْ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظَرًا كَانَ
كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

غيبة النعماني ۲۰۰/۱

□ هر که از شما بر این آیین (تشیع) بمیرد در حالی
که منتظر باشد، همانند کسی است که در خیمه
قائم علیه السلام، در خدمت آن حضرت باشد.

قال الجواد عليه السلام:

● إِنَّ الْقَائِمَ مِنَا هُوَ الْمَهْدُىُ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ

فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ. وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي.

كمال الدين ٣٧٧٢

□ به راستی که قائم از ما همان مهدی باشد که واجب است در زمان غیبتش انتظار او را کشند و در زمان ظهورش او را اطاعت کنند. و او سومین از فرزندان من است.

قال الصادق عليه السلام:

● مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَنْتَظِرْ
وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَهُوَ مُنْتَظَرٌ.
فَإِنْ ماتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَذْرَكَهُ فَجَدُوا وَانْتَظَرُوا؛ هَنِيئًا
لَكُمْ أَيْتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ!

غيبة النعاني ٢٠٠

□ هر که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید انتظار کشد و از گناه پرهیز کند و بر اخلاقی نیکو باشد در حالی که منتظر است. پس اگر چنین کسی پیش

از قیام قائم در گزند، او را پاداشی باشد مثل پاداش
کسی که قائم را در ک کرده باشد. پس کوشش
کنید و انتظار کشید؛ که گوارایتان بادای گروه
مورد رحمت.

..... آماده بودن برای یاری مهدی علیه السلام

● «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا
وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

آل عمران/۲۰۰

□ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و
شکیباپی ورزید و آماده و حاضر برآق باشید و از
خدای پروا کنید؛ شاید که رستگار شوید.

حضرت باقر علیه السلام آیه فوق را چنین بیان فرمود:
● اصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ. وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ.
وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمُ الْمُنْتَظَرَ.

غيبة النعہانی/۲۷، بنا بیع

الموّده/۴۲۱

□ صبر کنید بر گزاردن احکام شرع. و شکیبایی
ورزید در برابر دشمنان. و آماده و حاضر برآق
باشید برای امامتان که در انتظار او هستید.

..... خدمت به مهدی علیه السلام

قال الصادق علیه السلام:
● لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاةِ
غيبة النعماٰنی ۲۴۵

□ اگر مهدی علیه السلام را در ک می کرد، تمامی
روزهای عمرم را به خدمت او می پرداختم.

..... دینداری در زمان غیبت مهدی علیه السلام

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
● يَا عَلِيُّ، إِنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمَهُمْ يَقِينًا
قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ
حَجَبَتْهُمُ الْحُجَّةُ فَآمَنُوا بِسَوَادِ عَلَى بَيْاضٍ.

كمال الدين ۲۸۸۱

□ ای علی، بدان که شکفت آورترین مردمان در ایمان و بزرگترین آنان به لحاظ یقین، گروهی باشند در آخر الزمان که پیامبر را ندیده‌اند و حجت‌الله‌ی نیز خود را از آنان پنهان داشته و تنها به سیاهی بر روی سپیدی ایمان آورده‌اند.

* مقصود از سیاهی روی سپیدی، نوشته‌های روی کاغذ است. یعنی آن گروه به قرآن و سنت مکتوب ایمان آورده‌اند بی‌آنکه صحابان آنها را ببینند.

قال الصادق عليه السلام:
● إن لصاحب هذا الأمر غيبة. فليتق الله عبداً و
ليتمسّك بيدينه.

الكاف ٣٣٦ و ٣٥١، غيبة

الطوسي ٤٥٥، غيبة النعماي ١٦٩

□ همانا صاحب این امر را غیبتی باشد. از این رو بندۀ باید از خدای پرواپیشه کند و به دین خویش تمسک جوید.

قال الكاظم عليه السلام:

● طوبی لشیعیتَنَا الْمُتَمَسَّکِینَ بِحَبْلِنَا فِي غَیْبَةِ
قائِنَا الثَّابِتَنَ عَلَى مُوالِاتِنَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا.
أُولَئِكَ مِنَنَا وَنَحْنُ مِنْهُمْ. قَدْ رَضُوا بِنَا أَئمَّةً وَ
رَضِينَا بِهِمْ شیعَةً. فَطُوبی لَهُمْ! ثُمَّ طُوبی لَهُمْ!
هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
كمال الدين ٣٦٧٢، كفاية

الأثر/ ٢٦٥ و ٢٦٦

□ خوشابه حال آن شیعیان ما که در غیبت قائم ما به
ریسمان ما تمسک جویند و بردوستی ما و بیزاری از
دشمنان ما پایدار باشند. آنان از ما هستند، و ما از
آنان. آنان به امامت ما خشنودند و ما نیز از تشیع
آنان. خوشابه حال آنان! خوشابه حال آنان!
سوگند به الله که آنان در روز قیامت با ما، در
درجات ما باشند.

* از حضرت صادق علیه السلام دستور است که این
دعا را در دوران غیبت بخوانند:

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ! يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ!
تَبَّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ! اَيْ گَرْ دَانِدَهْ دَلْهَا! دَلْمَ رَابِرْ
دِينِتْ اسْتَوَارْ نَگَهْ دَارْ. (كمال الدين ٣٥٢/٢)

..... اشتياق مهدى عليه السلام

حضرت عسکری به فرزندش مهدی علیهم السلام
فرمود:

● وَاعْلَمْ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ نُرَّاعَ
إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِلَى أَوْكَارِهَا.

كمال الدين ٤٤٨/٢

□ بدان که دلهای مردمان طاعت پیشه و با اخلاص،
بسان پرندگانی که به سوی آشیانه پرمی کشند،
مشتاقانه به سوی تو پر می زنند.

..... حزن و اندوه برای مهدی عليه السلام

قال الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:
● كَمْ مِنْ حَرَى مُؤْمِنَةٍ، وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأْسِفٍ

حرّانَ حزِينٍ عِنْدَ فِقدَانِ الماءِ المَعِينِ.

كمال الدين ۳۷۱۲

□ چه بسیار زنان با ایمان و مردان مؤمنی که به وقت فقدان ماء معین (مهدی علیه السلام) متأسف، تشنہ و محزونند.

* «ماء معین» اشارت است به آیه شریفه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ غَورًا فَمَنْ يَأْتِي كُمْ بِماءٍ مَعِينٍ» (الملک: ۳۰): بگو: مرا خبر دهید که اگر آب شما در زمین فرو رود، پس کیست که شما را آب ظاهر و روان، آورد.

به گواهی امام صادق علیه السلام، منظور از «ماء» در این آیه، حضرت مهدی علیه السلام است. بنابر این، تأویل آیه چنین می شود: بگو: مرا خبر دهید که اگر امامتان غایب شود، پس کیست که شما را امام ظاهر آورد و او همچون چشمهای روان و جوشان حلال و حرام خدا و خبرهای آسمان و زمین را به شما ارمغان کند. (بنگرید به: کمال الدین ۳۲۵ و ۳۲۶)

..... گریستن برای مهدی علیه السلام

قال الصادق علیه السلام:

● أَمَا وَاللَّهِ لَيَغْيِبَنَّ سَبْتًا مِنْ دَهْرِكُمْ وَلَيَخْمُلَنَّ
حَتَّى يُقال: مات! هَلَكَ! بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ؟! وَ
لَتَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ.

غيبة النعاني ۱۵۲ و ۱۵۳

□ این را بدانید که او مدتی از روزگارتان را پنهان شود
و یاد او از خاطرها برود؛ تا آنجا که گویند: مرد!
هلاک شد! به کدام وادی رفت؟! و چشمان مردم با
ایمان برایش اشکریزان شود.

..... دعا برای تعجیل فرج مهدی علیه السلام

قال العسکری علیه السلام:

● وَاللَّهِ لَيَغْيِبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْمَهَلَكَةِ إِلَّا
مَنْ ثَبَّتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِيمَانِهِ
وَوَقَّفَهُ لِلْدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.

كمال الدين ۳۸۴/۲

□ به الله سوگند که او غیبی خواهد نمود که در آن از هلاکت رهایی نیابد مگر کسی که خدای عز و جل او را بر اعتقاد به امامت او پایدار و ثابت قدم بدارد و توفیق دهد که دعا برای تعجیل فرجش کند.

قال المَهْدَى عَلَيْهِ السَّلَامُ:
● وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءِ يَتَعَجَّلُ الْفَرَجُ.
فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُوكُمْ.
كمال الدين، ٤٨٥٢، غيبة

الطوسی ٢٩٢ و ٢٩٣

□ بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج. زیرا که همان،
گشايش شماست.

..... خروج مهدی عليه السلام

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
● لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلأُهَا عَذْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا.

سنن ابو داود ٤/١٠٧

□ اگر از عمر جهان نمانده باشد جز یک روز، خدای

در آن روز مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که
عرصه زمین را البریز از عدل کند، آن‌گونه که از
ستم پر شده باشد.

دعل بن علی خزاعی گوید:
چون قصيدة خود را در محضر مولایم رضا علیه
السلام خواندم و به این دو بیت رسیدم:

خروجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَالنَّقَمَاتِ
- آنچه امید دارم خروج امامی است که گزیری از
خروج او نیست و او با اسم خدای و همراه برکات
به پا خیزد.

- او در میان ما هر حق و باطلی را از هم جدا کند، و
مردمان را بر نعمتها و نعمتها جزا دهد.

آن حضرت بسیار گریست. آن‌گاه سرش را به
سوی من بلند کرد و گفت:
يا خُزاعيُّ، نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهذَيْنِ

البيتَيْنِ. فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَمَتَى يَقُومُ؟
ای خزاعی، روح القدس این دو بیت را به زبان تو
سخن گفته است. آیا دانی که این امام کیست و کی
قیام خواهد نمود؟

گفتم: نه مولای من، تنها شنیده‌ام که امامی از شما
خروج می‌کند و زمین را از تباہی پاک می‌گرداند
و آن را از عدل می‌آکند. امام رضا علیه السلام
فرمود:

● يا دِعْبِيلُ، الْإِمامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ أَبْنِي
عَلَيْهِ. وَبَعْدَ عَلَيِّ ابْنُهُ الْحَسَنُ. وَبَعْدَ الْحَسَنِ
ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ،
الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ. لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ
وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى
يَخْرُجَ فَيَمْلأَ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا. وَأَمَّا
مَتَى، فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ. فَقَدْ حَدَثَنِي أَبِي، عَنْ
أَبِيهِ، عَنْ آبائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ

ذَرِّيْتِكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي
«لَا يُجَلِّهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ لَا تَأْتِي كُمْ إِلَّا بَغْتَةً». [الأعراف / ١٨٧]

كمال الدين ٣٧٢/٢ و ٣٧٣،

فرائد السبطين ٣٣٧/٢ و ٣٣٨،

الفصول المهمة ٢٥٠ و ٢٥١

□ ای دعبل، پس از من، فرزندم محمد امام است. و پس از محمد، فرزندش علی امام است. و پس از علی فرزندش حسن امام است. و پس از حسن، فرزندش حجت قائم امام است که مردمان به روزگار غیبتش چشم به راه اویند و در زمان ظهورش فرمانبر او گردند. اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای عز و جل آن روز را به اندازه‌ای دراز دامن کند که او خروج کند. آن گاه او زمین را از عدل می‌آکند، آن گونه که آکنده از ستم باشد. و اما اینکه کی قیام خواهد نمود، خبر دادن از وقت ظهور است. و حدیث کرد مرا پدرم از پدرانش و او

نیز از نیا کانش که پیامبر صلی الله علیه وآلہ را
گفتند: یا رسول الله، کی قائم از فرزندان تو خروج
خواهد کرد؟ فرمود: مثُل او مثل قیامت است که
وقتیش را جز خدا نداند و در آسمانها و زمین
سنگینی کند. آن جز به ناگاه شماران خواهد آمد.

..... حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

قال رسول الله صلی الله علیه وآلہ:
● إنَّ خَلْفَائِي وَأَوْصِيائِي وَحُجَّ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ
بَعْدِي لَا تَنْاعَشُّرَّ. أَوَّلُهُمْ أَخِيٌّ وَآخِرُهُمْ وَالدِّيٌّ.
قَيْلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ أَخْوُكَ؟ قَالٌ: عَلَيْنِي بَنُّ
أَبِ طَالِبٍ. قَيْلٌ: فَمَنْ وَالدُّكُّ؟ قَالٌ: الْمَهْدِيُّ الَّذِي
يَمْلأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. وَ
الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا
إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ
فِيهِ وَالدِّيَ الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ
مَرْيَمَ فَيَصْلُى خَلْفَهُ، وَتُشَرِّقُ الْأَرْضُ بِنُورِ

رَبُّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

فرائد السمعطین ۳۱۲۲

□ حقیقت آنکه جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدای بر خلق پس از من، دوازده تن باشند. اولین ایشان برادرم و آخرین ایشان فرزندم. گفتند: یا رسول الله، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفتند: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی است که زمین را از عدل و داد می‌آکند، آن گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. سوگند به آن که مرا به حق بشارت دهنده برانگیخت، اگر از عمر جهان جز یک روز نمانده باشد، خدای آن روز را دراز دامن کند تا اینکه فرزندم مهدی در آن روز خروج کند. پس آن‌گاه روح الله عیسیٰ بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن شود و حکومت او مشرق و مغرب را فراگیر شود.

..... جلوه‌هایی از حکمرانی مهدی علیه السلام

قال أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

● يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى
الْهَوَى. وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا
الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ.

نهج البلاغه، ۱۹۵، خطبه ۱۳۸

□ خواهش نفسانی را به هدایت الهی بازگرداند، آن
گاه که هدایت را به هوای نفس برگردانده باشند. و
رأی مردمان را تابع قرآن کند، آن گاه که قرآن را
پیرو رأی خویش گردانده باشند.

* به اعتراف ابن ابیالحدید، این کلام هدایت نشان به
حضرت مهدی علیه السلام اشارت دارد. (بنگرید به:

شرح نهج البلاغه (۴۰۹)

قال الصادق علیه السلام:

● اذا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي
أَيَامِهِ الْجَوْرُ، وَ أَمِنَتِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضَ

بَرَكَاتِهَا وَرُدَّ كُلُّ حَقًّ إِلَى أَهْلِهِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلُ
دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالإِيمَانِ.

كشف الغمة ٢٥٥٣

□ آن گاه که قائم علیه السلام قیام کند، حکم‌ش به عدل
باشد، و ستم در روز گار او رخت بر بندد، و راه‌ها
ایمنی یابد، و زمین بر کات خویش را ظاهر سازد، و هر
حقی به صاحب‌ش بر گردانده شود، و اهل ادیان همگی
به اسلام روی آورند و به ایمان اقرار کنند.

قال الرضا عليه السلام:

● الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَ الْإِمَاءِ يُظَهِّرُ اللَّهَ بِهِ
الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ. وَ
هُوَ الَّذِي يَشْكُنُ النَّاسَ فِي وِلَادَتِهِ. وَهُوَ صَاحِبُ
الْغَنِيَّةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ. فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ
الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا
يَظْلِمُ أَحَدًا أَحَدًا.

فرائد السلطان ٣٣٦٢

□ چهارمین از فرزندان من که پسر مهتر کنیزان است، خدای به واسطه او زمین را از هر ستمی پاک گرداند و آن را از هر ظلمی منزه سازد. او همان است که درباره ولادتش شک کنند. و همو دارای غیبت است پیش از آنکه خروج کند. پس چون خروج کند، زمین به نور او روشن شود، و او ترازوی عدالت در میان مردم نهد و کسی بر کسی دیگر ظلم نکند.

فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن أبي الحميد، عبد الحميد بن هبة الله (٥٦٥٦)
شرح نهج البلاغة، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، ج دوم، دار
احياء الكتب العربية - مصر، ٥١٣٥٨.
٣. ابن ماجه، أبو عبدالله محمد بن يزيد قزويني (٥٢٧٥)
سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار احياء التراث
العربي - بيروت، ٥١٣٩٥.
٤. ابن خلكان، احمد بن محمد (٥٦٨١)
وفيات الاعيان، تحقيق احسان عباس، رضى - قم، ١٣٦٤ ش.
٥. ابن الصباغ، على بن محمد بن احمد مالكي (٥٨٥٥)
الفصول المهمة، اعلمى - تهران.
٦. ابو داود، سليمان بن الاشعث السجستاني (٥٢٧٥)
سنن ابى داود، تحقيق محمد محبى الدين عبد الحميد، دار احياء
السنة النبوية.
٧. اربلي، على بن عيسى بن ابى الفتاح (٥٦٩٣)
كشف الغمة فى معرفة الانتماء، تحقيق سيد هاشم رسولى،
دار الكتب الاسلامى - بيروت، ٥١٤٠١.

٨. امين عاملى، سيد محسن (٥١٣٧١)
اعيان الشيعه، تحقيق سيد حسن امين، بيروت، ٥١٤٠٣
٩. حاكم نيسابوري، محمد بن عبدالله (٥٤٠٥/٤٠٣)
المستدرک على الصحيحين، مكتبة النصر الحديثه - رياض.
١٠. حموئى، ابراهيم بن محمد (٥٧٣٢)
فرائد السقططين، تحقيق محمد باقر محمودى.
١١. خزار، ابوالقاسم على بن محمد (سدة ٥٤)
كفاية الاثر، تحقيق سيد عبد اللطيف حسيني، قم، ٥١٤٠١
١٢. سيد رضى، محمد بن الحسين (٥٤٠٦)
نهج البلاغه، تحقيق صبحى صالح، هجرت - قم.
١٣. شبلنجى، سيد مؤمن بن حسن (سدة ٥١٣)
نور الابصار، قاهره.
- ١٤ و ١٥. صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه
قمى (٥٣٨١)
- الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، جامعه مدرسین - قم.
- کمال الدين، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، ٥١٣٩٥.
١٦. طبرسى، ابو منصور احمد بن علي بن ابي طالب (سدة ٥٦)
الاحتجاج، تحقيق ابراهيم بهادرى و محمد هادى به، اسوه
- تهران، ٥١٤١٣ .
١٧. طبرى، محب الدين احمد بن عبدالله (٥٦٩٤)
ذخائر العقبى، مكتبة القدسى - قاهره، ٥١٣٥٦ .

١٨. طوسی، محمدبن الحسن (٥٤٦٠)
كتاب الغیب، تحقيق عباد الله تهرانی و على احمد ناصح،
مؤسسة المعارف الاسلامیة -قم، ٥١٤١١.
١٩. عسکری، الامام حسن بن على علیهمما السلام (٥٢٦٠)
تفسير الامام، تحقيق و نشر مدرسة الامام المهدی عليه السلام
قم، ٥١٤٠٩.
٢٠. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (٥١٢٩٤)
ینایع الموده، کاظمین و قم، ٥١٣٨٥.
٢١. کلینی، محمد بن یعقوب (٥٣٢٩/٣٢٨)
الکافی، تحقيق على اکبر غفاری، اسلامیة تهران، ٥١٣٨٨.
٢٢. مفید، محمد بن محمدبن نعمان (٥٤١٣)
الارشاد، تحقيق و نشر مؤسسه آلالبیت (ع) -قم، ٥١٤١٣.
٢٣. نعمانی، محمد بن ابراهیم (سدۀ ٥٤)
كتاب الغیب، تحقيق على اکبر غفاری، نشر صدوق -تهران.
٢٤. نوری، میرزا حسین (٥١٣٢٠)
نجم ثاقب، مسجد جمکران -قم، ٥١٤١٢.